

وظایف جوانان اقلابی

لین



بيانیه هیأت تحریریه روزنامه "دانشجو"^۳، که اگر اشتباہ نکنیم برای اولین بار در شماره ۴ (۲۸) "اسوایوژنیه"^۴ منتشر شده و "ایسکرا"^۵ هم آن را ذریافت داشته است، بعقیده^۶ معاً علامت پیشرفت بزرگی است در نظریات هیأت تحریریه از بد و انتشار اولین شماره "دانشجو" . آقای استبرووه^۷ که عجولاً نه مخالفت خود را با نظریات ابراز شده در این بیانیه اظهار داشت، اشتباہ نمی کرد : این نظریات حقیقتاً از اساس با آن جربان فرصت طلبانه که ارگان بورژوا - لیبرال با سر سختی و شور از آن حمایت می کند ، مغایر می باشد . هیأت تحریریه "دانشجو" که می پذیرد : "احساسات انقلابی بtentهاي نم توانند اتحاد ایدئولوژیک دانشجویان را سبب شود " و معتقد است که : "بدین منظور یک آرمان سوسیالیستی ممکن براین یا آن جهان بینی سوسیالیستی ضروری می باشد " - آن هم یک جهان بینی "جامع و مشخص" - هم اکنون با بن تفاوتی ایدئولوژیک و اپرتوتیزم ثوریک از پیشه بریده و مسأله روش انقلابی کردن دانشجو یان را بر پایه درست قرارداده است.

درست است ، اگر از دیدگاه متدالو "انقلابیگری" مبتذل بنگریم ، ایجاد اتحاد ایدئولوژیک مستلزم وجود یک جهان بینی واحد نبوده بلکه بر عکس آن را نمی کند ، چرا که اتحاد ایدئولوژیک بمعنای رفتار "بردارانه" در مقابل انواع گوناگون نظرات انقلابی و منوط به چشم پوشی از پذیرش یک مجموعه شخصی از قاید می باشد . به یک کلام ، بعقیده^۸ این سیاسیون بی شعور اتحاد ایدئولوژیک مستلزم یک بین اصول لی ایدئولوژیک است (البته این عقاید ، بطور کم و بیش ماهرانه ای ، در فرمول های پیش پا افتاده ای مانند ... اهمیت اتحاد بهر قیمت و لزوم وسعت دامنه فکری و غیره ، مسطور مانده ، ظاهر فریبند ای پیدا می کند) . بحث نسبتاً خوش ظاهر و در نظر اول قانع کننده ای که همیشه برای اثبات این نحوه استدلال ارائه می شود ، اشاره به این واقعیت عام الفهم و غیر قابل انکار است که در بین دانشجویان بر حسب نظرات سیاسی و اجتماعی شان گروه بندی های مختلفی وجود دارد - و حتماً وجود خواهد داشت - و بدین جهت خواست جهان بینی واحد و معین بنگزیر برخی از این گروه ها را دفع کرده ، به اتحاد صدم میزند و بجای فعالیت هم آهنگ مشاجرات را دامن زده و در نتیجه قدرت حمله سخت سیاسی مشترک را تضعیف می کند و الی غیرالنهایه . اجازه دهید این توضیحات مطلق را از نزد یک ملاحظه کنیم .

برای مثال تقسیم دانشجویان را بر حسب گروه هایی که در شماره ۱ "دانشجو" آمده است در نظر بگیریم . در این شطره هنوز خواست یک جهان بینی معین و واحد از طرف هیأت تحریریه طرح نشده بود و نتیجتاً مشکل است بتوان آنان را به طرفداری از "شگ نظری" سو - سیال د مکاری متهمن کرد . سرمهقاله شماره ۱ "دانشجو" در میان دانشجویان کوئی چهار گروه عمده را از هم متمایز می کند :

- ۱ - توده^۹ بی تفاوت - "کسانیکه در مقابل جنبش دانشجویی کمالی - تفاوت اند ."
- ۲ - "آکاد میستها" - کسانیکه طرفدار جنبش دانشجویی صرفاً آکاد میک هستند .

۳ - "مخالفین جنبش دانشجویی بطور کلی - ناسیونالیست ها ، آتنی - سیاست ها و غیره ."

۴ - "سیاسیون" - پیروان مارزه جهت سرنگونی استبداد تزاری . این گروه خود از دو بخش متقاض تشکیل شده است - کسانیکه به اپوزیسیون سیاسی صرفاً بورژوازی با تمایلات انقلابی تعلق دارند و کسانیکه به روشن فکران انقلابی سوسیالیستی پرولتاریا که این اوآخر پدیدار گشته است . (فقط در این اوآخر پدیدار گشته است) - لینین . با ملاحظه اینکه گروه فرعی آخری همان طور که همه میدانیم مجدد آ به دانشجویان سوسیال د مکراتیک و سوسیالیست - رلوسیونر تقسیم می شود ، روش می گردد که دانشجویان کوئی واحد شتر گروه سیاسی اند : ارتজاعیون ، بی تفاوتها ، آکاد میستها ، لیبرالیها ، سوسیالیست رلوسیونرها و سوسیال د مکراتها .

حال این سوال بیش می آید : شاید این گروه بین یها تماش فر می باشد و صفتندی موقتی نظریات را نشان می دهند ؟ گافی این که سوال را طرح کرد نا از هر کس که تا این امر ای با عذر آشانت

چندان تعجبی ندارد که بعلت عدم وجود حقوق سیاسی برای اعمّرد م و سلطه‌یک بورکراسی بنحو عالی سازمان یافته و از نظر ایدئولوژیک مستحکم و سنتاً محدود و منحصر، منشاء طبقاتی گروه‌های سیاسی کنونی در روسیه بهمیزان زیادی تیره گشته است. بیشتر باید از این در شکفت بود که تکامل روسیه در مسیر سرمایه داری اروپائی هم‌اکنون توانسته است علیرغم نظام حکومتی آسیائی آن، چنین اشری قوی در گروه بندی سیاسی جامعه پذارد.

در کشور ما نیز پرولتا ریای صنعتی، طبقه مترقبی هرجامعه سرما-
یه داری، تحت رهبری سوسیال د مکراسی، تحت لوای برنامه ای که
مدتهاست برنامه پرولتا ریای آگاه سرتاسر جهان شده، در راه مبارزه
توده ای و سازمان یافته گام نهاده است. آن دسته از مردم که نسبت
به سیاست بی تفاوت هستند طبیعاً روسيه بطور غیرقابل مقایسه ای
بزرگتر از هرکشور اروپائی است، ولی حتی در روسيه نیز دیگر
نمی توان از دست نخوردگی ساده و ابتدائی این گروه سخن گفت؛
بنی تفاوتی کارگرانی که هنوز از موقعیت طبقاتی خود آگاه نیستند - و
بنی اندازه ای دهقانان - هرچه بیشتر جای خود را به طغیان و بی-
قرازی سیاسی و اعتراضات فعال می دهد. این موضوع ضریحاً نشان می-
دهد که این بنی تفاوتی با بنی تفاوتی بورژواها و خرد بورژواهائی
که شکمshan سیر است همچ تشاشهی ندارد. طبقه خرد بورژوا که
در روسيه، بعلت اکتشاف هنوز نسبتاً ضعیف سرمایه داری، بویژه متعثّر
است، اینک بدنون شک از یکسو شروع به بیرون دادن ارتجاعیون آگاه و
بیگیر نموده و از سوی دیگر، و بنی اندازه بیشتر، هنوز چندان از تو-
ده نادان و مظلوم "مردم زحمتکش" قابل تشخیص نیست و منکرین خود
را از گروه وسیع روشنگران رازنوجنیتسی^۷ پیدا می کند که جهان بینی
کاملاً متنزل و آش شلقمکار عقاید دمکراتیک و سوسیالیست-ابتدائی
ناآگاهانه ای دارند. درست همین ایدئولوژی است که مشخصه
روشنگر قدمی روس می باشد، چه جناح راست یخش لیبرال-نا رود نیلر
آن و چه جب روتین جناح: "سوسیالیست-رولوسورها".

گفتم روشنگر "قدیم" روس. زیرا هم اکنون در کشور ما روشنگر جدیدی در حال ظاهر شدن است که لیبرالیزم آن پوست نارود یعنی بد وی و سوسیالیزم میهم خود را تقریباً بکلی بدرا و اداخته است (البته نه بد ون کمل عارکسیزم روسا). صورت بندی یک قشر روشنگر بورژوا - لیبرال واقعی با گامهای عظیم به پیش می‌رود، بویژه بد لیل اینکه اشخاص تردست و مستعد برای پذیرش هرگونه جربان اپورتونيستی باب روز مانند حضرات استرورووه، بردایف (berdayev)، بولگاکف و شرکا^۱ (Bulgakov & Co.) ادر این پروسوه شرکت می‌جوینند. وبالاخره، در رابطه با عناصر لیبرال و ارتقای جامعه^۲ روس که به قشر روشنگر تعلق ندارد، خویشاوندی آنان با تنافع طبقات این یا آن گروه از بورژوازی و یا زمینداران برای هرکسر که مثلاً تا اندازه ای با فعالیت زمستواها^۳، دو ماها^۴، کمیته های بورس، کمیته های نمایشگاه و غیره مأمور باشد، بحد کافی روشن است.

و بدین ترتیب ما باین نتیجه غیرقابل تردید رسیدیم که گروه بنی‌های سیاسی دانشجویان تصادفی نیست و ضرورتاً درست همانطور که آنرا در بالا در توافق با شاره ۱ "دانشجو" ترسیم نموده ایم، می‌باشد + پس از اینکه این واقعیت اثبات شد من توانیم سادگی از عهد "این سؤال مورد بحث و مشاجره که مفهوم "ایجاد اتحاد ایدئولوژیک بین دانشجویان" و "انقلابی کردن" آنان چیست برآثیم + در اولین نظر حق بسیار شفقت آور بنتظر می‌رسد که چنین مسئله ساده‌ای به

مسالمه مورد مشاجره اي تبديل شد هاست. اگر گروه بندي های سياسی دانشجویان با گروه بندي های سياسی جامعه مطابقت دارد، آیا اين بخودی خود بدان معنی نيست که "ایجاد اتحاد ايدئولوژيك" بين دانشجویان تنها يک از اين دو معنی را ميرساند: یا جلب زيا德 ترين تعداد ممکن دانشجویان به يك مجموعه معين عقاید سياسی و اجتماعی، و یا ایجاد نزدیکترین همسنتگي ممکن مابين دانشجویان يك گروه معين سياسی و اجتماعی اين گروه درخارج از دانشجویان؟ آیا اين بخودی خود بدريهي نيست که درباره انقلابی شدن دانشجویان تنها از موضوع يك نظرية کاملاً معين درباره محتوى و ماهیت اين

جوگاب منفی دریافت داشت. و فی الواقع گروه بندی دیگری در داشجو-
یان مانند تواند هم وجود داشته باشد، زیرا که دانشجویان حساس-
ترین بخش روشنفکران هستند، و روشنفکر درست باین جهت روشنفکر
خیوانده می‌شود که اکشاف متعاف طبقاتی و گروه بندی های سیاسی
کل جامعه را به آگاهانه ترین، راسخانه ترین و دقیقترین نحوی
منعکس نموده و بیان می‌دارد. دانشجویان قشر دیگری می‌بودند اگر
گروهه بندی های سیاسی شان را گروهه بندی های سیاسی کل جامعه

گروه پندتی های سیاسی سان با نزوه پندتی های سیاسی هنر جایز
تطابق نمی داشت - "تطابق" نه به مفهوم یک تناسب کامل بین
گروه های داشجوشی و گروه های اجتماعی بر حسب توان و تعداد، بلکه
درست بمعنای وجود ضروری و ناگزیر چنین گروه هایی در داشجوشیان
همانگونه که در جامعه موجود می باشد . کل حاممه روس - با
خصوصیات طبقاتی تازه رو بانکشاف نهاده آن ، با دست نخوردگی
سیاسی آن ، با توده های عظیم آن که تحت حکومت استبداد پلیسی
سرکوب و مرعوب شده اند - دقیقاً با همین شرگروه مشخص می شود ،
یعنی : ارتجاجیون ، بی تفاوتها ، مهدبین * ، لیبرال ها ، سوپریالیست
روولوسیونرها و سوپریال دمکرات ها .

من آکاد میستها" را اینجا "مهذبین" نایده ام، یعنی پیروان پیشرفت قانونی بد ون مبارزه سیاسی، پیشرفتی در چارچوب رژیم خود کامگی^{autoocracy} • چنین مهذبینی در تمام یخشای های جامعه روس وجود دارد، و همه جا مانند دانشجویان "آکاد میست" خود را در دادیره^{اداره} تنگ منافع حرفه ای و اصلاح آن شعبه از اقتصاد ملی یا ادارات دولتی و محلی مخصوص خود محدود می سازند و همه جا با ترس و لرز از "سیاست" پرهیز می کنند، بدون اینکه بین "سیاسیون" گرایشها مختلف فرقی قائل شوند اهمانگوئه که آکاد میست ها نیز فرقی قائل نمی شوند ا، مفهوم این ها از سیاست کلیه^{مشترک} مسائلی است که با شکل حکومت مربوط می شود • مهذبین همیشه وسیعترین پایه لیبرالیزم ما را تشکیل می داده اند و هنوز هم تشکیل می دهند : در زمانهای آرا-مش^{ابتزان} "روسی" یعنی ، در زمان تسلط ارتقای سیاسی ادو مفهوم مهذب و لیبرال عمالا یکسان می باشد ، و حقی در زمان جنگ ، در دو- ران های اوج جنگ و جوشاهای اجتماعی ، در عصر رشد هجوم بر استبداد تفاوت مابین این دو اغلب ناروشن می ماند • لیبرال روس حتی هنگامیکه در روزنامه ای که بد ون سانسور در خارج منتشر می شود ، با اعتراض مرد و اشکار غلبه استعداد در مقابل افکار عمومی ظاهر می گردد ، هرگز از اینکه خود راقبل از هرچیز بمتابه^{مشترک} مهذب احساس نماید دست برنمی دارد ، و گاه و گدار برده وار ، و یا اگر ترجیح می دهد ، مثل رعیت^{اعتنای} مطیع قانون ، حق شناس و وفادار سخن ورزی می کند - به " اسوابوئد نیه^{اسوابوئد نیه}" رجوع کنید .

فقد ان يك مرزیند ی روشن و قابل تشخیص بیم مهذبین و لیبرالها
و جه مشخصه کلی گروه بندیهای سیاسی جامعه روسیه است. شاید
بطا ایرا، گرفته شود که تقسیم بندی به شش گروه بالا صحیح نمی باشد،
زیرا با تقسیم بندی طبقاتی جامعه روس تطابق ندارد. اما یک چنین
ایرازی بی اساس خواهد بود. البته تقسیم بندی طبقاتی شالوده است
گروه بندی های سیاسی است و در تحلیل نهائی این گروه بندی ها را
تعیین می نماید. لیکن این شالوده عمق فقط در طول یک جریان نکامل
تاریخی و پیمان رشد آگاهی شرکت کنند گان و آفرینند گان این جریان
نمایان می شود. این "تحلل نهائی" فقط پس از مبارزه سیاسی فرا -
می رسد. گامی مبارزه ای سرسخت و طولانی که ده ها سال بطول می -
اجامد و گاهی طوفان آسا بشکل بحران های سیاسی منفجر می شود و
در پر اوقات رو خاموشی گذارد، باصطلاح موقتا بحال وقفه درمی -

جیتوه نیست که ممتاز رآلمن، جائی که هارزه سیاسی اشکال
- سور حاچی بخواهی گیرد و طبقه مترقی - پرولتاریا - راجد آگاهی
لذت از فرم عالمی است، نیز احزابی اوحتی احزاب نیرومندی امانت
"برگز" بخواهی از کمال تفاهه ایم خود مضمون طبقاتی نامهگون
- این اینسته مرتباه در پرولتاریا آخر را مخفی نگاه می ارد.

وَرَبِّ امْرَأٍ opitter می باشد . معنای تحت لفظی این
که اگر کسی مال نظر و تهدید اخلاقی هی شوند .
ترجمه

جریان انقلابی شدن می‌توان صحبت کرد؟ بعنوان مثال برای یک سو-
سیال -دمکرات این اولاً، بفهم ترویج نظریات سوسیال -دمکراتیک در
بین دانشجویان و مارزه با عقایدی است که خود را "سوسیال -رولو-
سیونر" نامیده، اما با سوسیالیزم انقلابی هیچگونه وجه تشابه-
ندازد؛ و ثانیاً، کوشش در جهت اینکه هرجنبش دمکراتیک دانشجو-
یان، منجمله آکادمیستی را گسترش داده، آن را آگاهانه ترو و مصممتر
گرداند.

اینکه چگونه مسئله باین سادگی و روشنی مشوش شده و مورد مشا-
جهه شدید قرار گرفت - خود استان بسیار آموزنده و نسونه‌ای است.
مشاجره بین "رولوتسیونایا روسیا"^{۱۰} (شماره های ۱۲ و ۱۳) و
"ایسکرا"^{۱۱} (شماره های ۲۱ و ۳۵) بمناسبت "نامه سرگشاده" شورای
مشترک سازمان های دانشجویی و سازمان های متعدد. اخوت در کلیف
(Kiev)، درگرفت ادر شماره ۱۲ "رولوتسیونایا روسیا" و شماره ۱۳
"دانشجو" منتشر شد. ا شورای مشترک کلیف مصوبه د و مین کنگره سرا-
سری دانشجویان روسیه در سال ۱۹۰۴ را که طبق آن سازمان های
دانشجویی موظفند با کیته های حزب سوسیال دمکراتیک کارگری دارا-
تباشند، "تگ نظرانه" نامید؛ و این واقعیت آشکار که بخشن
معبنی از دانشجویان در برخی از نواحی به "حزب سوسیالیست رولویونر"
تعابی دارند بوسیله بحث باصطلاح بسیار "بیفرض" و بی اندازه نا-
درست که "دانشجویان بعنوان دانشجو نمی‌توانند نه کاملاً به حزب
سوسیالیست رولویونر و نه به حزب سوسیال دمکراتیک ملحق شوند".
بنحو زیبائی پوشانده شد. "ایسکرا" به نادرست این استدلال اشا-
ره کرد، ولی "رولوتسیونایا روسیا" البته در دفاع از آن اسلحه
برداشت، "معضیین تغوفه انداز و انشعاب طلب" ایسکرائیست را
به "ندام کاری" و خامی سیاسی متهم نمود.

بعد از آنچه که در بالا گفته شد پوجی این ادعاهای بوضوح آشکار
می‌شود. مسئله مورد بحث نقش و پیوسته سیاسی ایست که دانشجویان می-
باشند ایفا کنند. و آنها ملتک نیستند که اول باید در مقابل این
واقعیت که دانشجویان از بقیه جامعه جدا نبوده، درست به همین
دلیل همواره و بطور اجتناب ناپذیر تمام گروه بندی های سیاسی
جامعه را بازتاب می‌سازند، چشم انداز چشم انداز می‌سازند،
بسننه آغاز به ورای در مورد دانشجویان بعثایه دانشجو و یا دانش-
جویان بطور کلی کرد. نتیجه ای که بدان می‌رسد... مثمر تفرقه
وانشعاب حاصل از همبستگی با یک حزب خاص سیاسی است. این
مانند روز روش است که بخط ادامه این بحث عجیب تا نتیجه اش،
بحث کننده می‌باشند و "رولوتسیونایا روسیا" در مقامه "دانشجویان و انقلاب"
جهش کند. درست یک چنین جهش مرگ را می‌کند، اولاً به خواسته های عام و
هارزه عام دانشجویی و ثانیاً به هدفهای تحصیلی دانشجویان،
وظایف تدارک فعالیت آقی اجتماعی ایشان و تکامل آنان به جاگزین
سیاسی آگاه، استناد می‌جوید. این دو نکته هرد و بسیار درستند
اما بمطلب کوچکترین بسطی نداشت، صرفاً مسئله را مشوش می‌سازند.
مسئله مورد بحث فعالیت سیاسی است، که ماهیتاً با مارزه احزاب
بطور ناگستینی در پیوند بوده، بنابراین انتخاب یک حزب معین را می-
طلبند. پس چگونه می‌توان - به بیانه اینکه تمام فعالیتهاي سیاسی
احتیاج به یک تدارک بسیار جدی و علمی و "انکشاف" معتقدات محکم
دارد، و یا اینکه هیچ فعالیت سیاسی نمی‌تواند فقط به حوزه های
سیاسیون یک جریان مشخص محدود شود بلکه باید همواره متوجه
اقشار هرچه وسیعتر مردم گردد، با منافع حرفه ای هریخشی مطابقت
داشته باشد و جنبش صنفی را با جنبش سیاسی متخد ساخته، اولی
را به سطح دومی ارتقا دهد - از این انتخاب اجتناب ورزید؟

درست همین واقعیت که اشخاص برای دفاع از مواضع خویش مجرور به
متولی شدن به چنین بناهه هاشی هستند، بوضوح نشان می‌دهد
که آنها خود تا چه حد احتیاج به یک اعتقاد علمی معین و خط
مشی سیاسی پایدار دارند! از هرنسوئی که به مطلب پرخورد کنیم باز
همان حقیقت قدیمی که سوسیال -دمکرات ها مدتهاست در محکوم کردن
کوششهاي سوسیالیست رولویونرها را رائه می‌دهند با دلایل جدید تری
ثابت می‌شود. سوسیالیست رولویونرها می‌کوشند که هم در رابطه

با "شوری علمی و هم عملکرد سیاسی" ، بین مارکسیزم و اپورتونیزم "انتقا-
* دی" اروپای غربی و نارود بیز خود بورژواشی روسی بند بازی کنند. اصولاً شرایطی را در نظر گیرید که مناسیات سیاسی تا اندازه‌ی
شکامی یافته اند و به بینید که "مسئله مشاجره آمیز" ما در عمل
چگونه است. فرض کنیم که یک حزب مذهبی، یک حزب لیبرال و یک حزب
سوسیال دمکراتیک وجود دارد. فرض کنیم که در نواحی مختلف این این
احزاب بین دانشجویان و شاید طبقه کارگر فعالیت می‌کنند. آنها می-
کوشند حتی الامکان تعداد زیادی از نمایندگان پر نفوذ هردو را به
طرف خود جلب کنند. آیا این قابل تصور است که آنها به انتخاب
یک حزب معین توسعه این نمایندگان با این استدلال ایجاد بگیرند.
که گویا منافع مشترک معینی در تحصیل و در شغل برای تمام دانش-
جویان و کلیه طبقه کارگر وجود دارد؟ این همانند آن است که چون
تمام احزاب از هنر چاپ بطور یکسان استفاده می‌کنند، لذا می‌توان
منکر لزوم مبارزه سیاسی بین آنان شد. در کشورهای متعدد هیچ
حرزی نیست که نفهمیده باشد که اتحادیه های وسیع و بسیار
متشکل شده حرفة ای و دانشجویی دارای چه فایده بزرگی است، اما
هر حزب می‌کوشد که همچنین نفوذ خود را در این اتحادیه ها مسلط
گرداند. چه کسی واقع نیست که اشاره به غیر حزبیت کردن این یا
آن مؤسسه (institution) اغلب چیزی جز تزویر طبقه حاکمه نیست که
مایل است این واقعیت را که از صد مؤسسه موجود هم اکنون نود و نه
تای آن از یک روحیه معین سیاسی الهام می‌گیرند، پنهان سازد؟
اما کاری که سوسیالیست - رولویونرهای ما عمل آنجرم می‌دهند اینست
که با فتخار "غیر حزبیت" ساق نامه می‌سازند. برای مثال این قطعه
پرشور و احساساتی "رولوتسیونایا روسیا" (شماره ۱۸) را در نظر
گیرید: "این چه تاکتیک تگ نظرانه ای است که یک سازمان انقلابی
می‌خواهد در هر سازمان مستقل دیگری که مطبع وی نیست حتیماً یک
رقیب را بینید که باید آن را نایبود کرد، و در میان صفو آن حتیماً
باید دودستگی، اختلاف و اغتشاش ایجاد نمود؟" در اینجا به
خطابیه سال ۱۸۹۶ سازمان سوسیال - دمکراتیک مسکو استناد می-
گردد که به دانشجویان ایزاد می‌گرفت که آنها در سالهای اخیر
خود را بیش از حد در محدوده تنگ منافع دانشگاهی محبوس ساخته-
اند و "رولوتسیونایا روسیا" این را مردود شمرده، اندزه می‌داد که
وجود سازمان های دانشجویی هرگز مانع از آن نبوده که کسانی که
"بعایه انقلابیون تبلور یافته اند" نتوانند نیروی خود را در خدمت
راه کارگران صرف کنند.

فقط بینید چه اغتشاشی در اینجا حاکم است. رقابت تها بین
یک سازمان سیاسی و یک سازمان سیاسی دیگر، بین یک گرایش سیاسی
و گرایش سیاسی دیگر امکان دارد و اجتناب ناپذیر است. بین یک
انجمن خیریه (Mutual Aid Society) (او یک گروه انقلابی نمی‌تواند رقابت
وجود داشته باشد و وقتیکه "رولوتسیونایا روسیا" به دومن نسبت
منهدم کردن انجمن خیریه را می‌دهد فقط یاوه سرایی می‌کند. ولی
اگر در درون همین انجمن خیریه گرایشی سیاسی نمودار شود که
مثل‌گوش نماید به انقلابیون کمک نشود و یا کتب غیرقانونی از کتابخانه-
ها جمع آوری شوند، در چنین شرایطی، این وظیفه هر شخص "سیا-
سی" صادق است که با این گرایش رقابت و مارزه کند. اگر اشخاص
یافت می‌شوند که این دسته ها را در فضای تنگ منافع دانشگاهی محدود
سازند (اوین قبیل اشخاص بد و شک یافت می‌شوند، و در سال ۱۸۹۶
بمراتب بیشتر بودند) در این صورت مارزه بین آنها و کسانیکه نه محدود
ساختن، بلکه گسترش خواست ها را ترویج می‌کنند، نیز واجب و اجباری
است. اما در نامه سرگشاده شورای کلیف که مشاجرات بین "رولوتسیونایا
روسیا" و "ایسکرا" موجب شده، مسئله نه بر سر انتخاب بین
سازمان های دانشجویی و سازمان های انقلابی، بلکه بر سر انتخاب
بین سازمان های انقلابی جریان های مختلف بود. بنابراین، آن کسی

* تاگهه بید است که این ترکه بروگرام و تاکتیک های "سوسیالیست-
رولویونرها" متزلزل و ماهیتاً متضاد است احتیاج به توقیع دلیل
و پیوسته ای دارد. امید می‌رود که در نامه بعدی^{۱۲} وارد جزئیات این
مطلوب شویم.

شروع به انتخاب کرده‌اند که هم اکنون " بمثابة انقلابيون تبلور یا -
خته‌اند" ، در حالیکه " سوسیالیست- رولوسیونرهای " مابه بهانه
اینکه رقابت بین یک سازمان انقلابی و یک سازمان صرفاً داشجوئی
تئنگ نظرانه است، آنانرا بعقب می‌کشانند . . . این واقعیت بیش از حد
غیر منطقی است آقایان!

بخش انقلابی داشجویان شروع به انتخاب بین دو حزب انقلابی
می‌کند ، ولی با وعظ می‌کند که : " این نه با تحفیل یک برچسب
حزبی [برای برخی برچسب است و برای دیگران پرچم] معین [نامعین]
البته ترجیح دارد . . . و نه با تجاوز به وجود آن فکر رفاقت داشجو
[مجموع طبوغات بورژوازی تمام کشورها همیشه ادعای می‌کند که رشد
سوسیال دمکراتی بد لیل تجاوز عناصر خرابکار و محرك به وجود آن توده " صلح-
جو انجام می‌گیرد . . .] است که چنین نفوذی بدست آمده است" ،
منظور نفوذ بخش سوسیالیستی داشجویان بر ماقی آنان است. بیگان
هر داشجوی صادقی واقف است که این تهمت به سوسیالیستها منی
بر "تحمیل" برچسب‌ها ی حزبی و "تجاوز فکری" چه قدر بی اساس
است. و این ادعاهای بی‌پایه ، پوج و غیر اصولی در رویه اظهار
می‌شود ، جائیکه مقاوم سازمان حزبی ، پیغمبری و وفاداری حزبی هنوز
بی‌اندازه ضعیف است!

" سوسیالیست- رولوسیونرهای " ما برای داشجویان انقلابی ،
کنگره‌های سابق داشجویی را که " همبستگی با جنبش عام سیاسی ،
صرفت از جناح‌های مختلف را که در ارد وگاه انقلابی وجود دارد "
اعلام می‌کردند ، بعنوان سرمشق توصیه می‌کنند . این جنبش " عام سیا-
سی " چیست؟ جنبش سوسیالیست باضافه جنبش لیبرالی . نادیده گرفتن
این دوستی به معنای طرف‌اری کردن از نزدیکترین جنبش ، یعنی
جنبش لیبرالی است. و این " سوسیالیست- رولوسیونرهای " هستند که
این کار را تشویق می‌کنند! اشخاصی که خود را حزب جدا و مستقل
می‌نماید دیگران را به پرهیز از مارزه حزبی فرا می‌خوانند . آیا این
نشان دهنده این نیست که چون چنین حزبی قادر به عرضه کالای
سیاسی خود در زیر پرچم نیست ، ناگزیر است به قاچاق پناه برد؟
آیا این نشان دهنده این نیست که این حزب کاملاً فاقد یک پایه
روشن برنامه مخصوص بخود می‌باشد؟ این را بزودی خواهیم دید.

اشتباهات نظریات سوسیالیست- رولوسیونرهای را نمی‌توان صرفاً
در کمود منطق که در بالا کوشیدیم آن را ثابت کنیم ، بیان داشت.
از یک لاحظ بخصوص می‌توان عکس آن را مدعا شد : کمود منطق در داده
وی آنها ، نتیجه یک خطای اساس است. بعنوان یک " حزب " ، آنها
از ابتداء چنان موضع ذاتاً منضاد و بی شایسته اتخاذ کرده‌اند که افراد
واقعی صادق قادر به تفکر سیاسی نمی‌توانند بدون ظول خوردن و
سقوط چنین موضعی را حفظ نمایند. همراه باید بخاطر داشت که

سوسیال دمکراتها زیانهای را که " سوسیالیست- رولوسیونرهای " به
راه سوسیالیزم وارد ساخته‌اند به اشتباها گوناگون این یا آن نویسنده
و رهبر نسبت نمی‌دهند . بر عکس ، آنها تمام این اشتباها را نتیجه
اجتناب ناپذیر یک برنامه و موضع سیاسی نمی‌توانند بد نظر خودن و

درستی در امری مانند مسائل داشجویان بخصوص واضح شده ، تضاد
بین دیدگاه بورژوا- دمکراتیک و پوشش زرق و برق دار سوسیالیزم انقلابی

آنان بخوبی نمایان می‌گردد . فی الواقع ، سیر فکری " رولوسیونیا رور-
سیا " را در مقاله پروگراماتیک " داشجویان و انقلاب " بررسی کنیم.

نویسنده ، " عدم خود پسندی و پاکی مردم " و " قدرت انگیزه های
ایده آل جوانان " را بخصوص برجسته می‌سازد . اینجاست که اودر
جستجوی تعبیر تلاش‌های سیاسی " ابداعی " داشجویان است و نه
در مناسیات واقعی زندگی اجتماعی روسیه ، مناسباتیکه از یکسو خصوص-

مت آشتباه ناپذیری میان قدرت خود کاملی و بخش‌های بسیار وسیع و بسیار
گوناگون مردم بوجود آورده و از سوی دیگر بجز از طریق داششگاه ها ،
ابراز هرگونه نارضایتی های سیاسی را فوق العاده مشکل می‌کند (ازو-
دی باید گفت : مشکل می‌کرد) .

نویسنده سپس مساعی سوسیال دمکرات‌ها را در برخورد آگاهانه
به مسئله وجود گروه های مختلف سیاسی بین داشجویان ، در فشر-
ده تر متعدد نمودن گروه های سیاسی همگون و در جدا نمودن گروه -

های سیاسی ناهمگون ، مورد حمله قرار می‌دهد . مسائل این نیست
که او از عیوب این یا آن کوشش بخصوص سوسیال دمکراتها انتقاد می-
کند ، چون اساساً ، این نامعقول خواهد بود اگر ادعای می‌شد تمام
این کوششها همواره و بطور کامل موقف آمیز بوده‌اند . خیر! نویسنده
اصولاً یا این عقیده که اختلاف منافع طبقاتی باید خود را بنا چار در
گروه بندی های سیاسی منعکس نماید ، و اینکه قشر داشجویان همه
از خود گذشتگی ، پاکی ، نیات ایده آتش و غیره نفعی تواند از کل جامعه
مستثنی باشد ، و اینکه وظیفه سوسیالیست هاست که این اختلاف را
پنهان نکرده بلکه بر عکس آن را حتی الامکان برای توده وسیع روش
نوده ، آن را دریک سازمان سیاسی مجسم سازند ، بکل بیگانه
می‌باشد . نویسنده مسائل را از ایده‌آگاه ایده‌آلیستی یک بورژوا- دمکرات
می‌نگرد و نه از نقطه نظر ماتریالیستی سوسیال دمکرات‌ها .

نویسنده باین دلیل شرم نعی کند که داشجویان انقلابی را به
طرفداری از " جنبش عام سیاسی " فراخوانده و این درخواست را مدام
تکرار نماید . برای او جریان عده درست همان جنبش عام سیاسی ، یعنی
جنبش عام دمکراتیک است که بعیده او می‌باشد متعدد شود . [مطابق
نظریات ایشان] این اتحاد بنا بر پرسیله " گروه های انقلابی ناب "
برهم زده شود ، آنها باید خود را " موازی با سازمان عمومی داشجو
یان " صفت بندی کنند . از دیدگاه منافع این جنبش دمکراتیک و سیم
و یکارچه " تحمیل " برچسب های حزبی و تجاوز به وجود آن
رفقاً - طبیعتاً عمل جنایتکارانه ای است . در سال ۱۸۴۸ این
درست موضع بورژوا- دمکرات‌ها بود؛ موقعیکه کوشش جهت نشان دادن
تضاد بین بورژوازی و بولوتاریا موجب محدودیت " دوهمندان و انشاعا-
ب طلبان متعصب " از طرف " همگان " می‌شد . این همچنین درست
موقع جدید ترین نوع بورژوا- دمکرات‌ها است - فرست طلبان و رویزی-
نیست هایی که مشتاق یک حزب دمکراتیک متحد بزرگ که با صلح و صفا-
از طریق اختلاف طبقات و رفم قدم گذارد ، هستند . آنها همی هعوا-
ره دشمن اختلاف " فراکسیونی " و طرفدار جنبش " عام سیاسی " بوده
الزاماً می‌باشند هم می‌بودند .

همانطور که مشاهده می‌کنید ، بحث های " سوسیالیست- رولوسیو-
نرها " که از دیدگاه یک سوسیالیست ، بعد ابتدا غیر منطق و متناسب
می‌باشد؛ از نقطه نظر یک دمکرات بورژوا کاملاً قابل فهم و منطقی
هستند . زیرا حزب " سوسیالیست- رولوسیونر " در حقیقت چیزی جز
بخش کوچکی از دمکرات‌های بورژوا نیست ، بخشی که ترکیب آن بطور
معده از روش‌تفکران و جهان بینی اش بورژوازی خرد بورژوازی بوده و در
غایاب تئوریکشان جدید ترین فرست طلبی را با نارود نیز قدمی ، بسیک
از هرچمن گلی ، قاطعی می‌سانند .

برای رد عارض پردازی های بورژوا- دمکراتیک در باره اتحاد ، سیر
ما روز و تکامل سیاسی خود بجهت ترین دلیل می‌باشد . در رویه رشد جنبش
واقعی هم اکنون یک چنین خط بطانی برای این نظریات کشیده است . من
به پیدایش " آکاد میستها " بمثابة یک گروه مستقل بین داشجویان اشا-
ره می‌کنم . تا زمانی که مبارزه واقعی وجود نداشت ، آکاد میستها

خود را از توده " عام دانشجو " جدا نکرده بودند و " وحدت " کل

" پیشرفت متفکر " دانشجویان خدش ناپذیر بنتظر می‌رسید . اما بمجرد

آنکه وقت عمل فرا رسید ، جدائی عناصر ناهمگون اجتناب ناپذیر گردید .*

پیشرفت جنبش سیاسی و حمله متنقیمه به رژیم خود کامه - غیرغم

سخنان توحالی در باره وحدت همه و هرکس - مستقیماً موجب مشخص-

ترشدن هرچه بیشتر گروه بندی های سیاسی گشته است . مطمئناً

هیچکس در این شک نخواهد کرد ، که جدائی آکاد میستها از سیاسی-

یک گام بزرگ به پیش محسوب می‌شود . اما آیا این جدائی بمعنای

" برین " دانشجویان سوسیال دمکرات از آکاد میستها است؟ " رولو-

* اگر برخی از گزارش‌های رسیده صحبت داشته باشند ، جدائی دیگر

از عناصر مختلف بین دانشجویان هرچه دیگر می‌شود ، یعنی جدا

شدن سوسیالیستها از انقلابیون سیاسی که مخالف سوسیالیزم هستند .

گفته می‌شود که گروه دو قم بین دانشجویانی که به سیریه تبعید

شدند اند بسیار قوی می‌باشد . باید دید آیا این گزارشها تأیید می-

شوند یا نه .

توضیحات

تسیونیا روسیا" معتقد است که این بدهی معنی است | رجوع شود به
شماره ۱۲، صفحه ۱۳

لیکن فقط بعلت آشفتگی افکاره که ما در بالا آشکار ساختیم است
که چنین چیزی معتقد است . مزیندی کامل جریان های سیاسی
بهیچوجه بمعنای "تجزیه" اتحادیه های صنفی و دانشجویی نیست .
یک سوییال - د مکرات که وظیفه فعالیت در میان دانشجویان را در برابر
خود قرارداده است، پیگرانه سعی خواهد نمود خود یا با کمک
دستیارانش در بیشترین تعداد ممکن وسیعترین محاذی "صرفاً داشن-
جویی" و تحصیلی نفوذ کرده و برای وسیع تر ساختن دایره دید داد -
نشجویانی که تنها خواستار آزادی های آگاد میکی میباشد کوشش
کند و در میان کسانیکه هنوز در جستجوی برنامه میباشدند دقیقاً
برای برنامه سوییال - د مکرات تبلیغ نماید .

خلافمه کنیم . بخش مشخص از دانشجویان در صدد دست یابی
به یک جهان بینی جامع و مشخص سوییالیستی است . هدف نهائی
این کار تدارکی تنها میتواند - برای دانشجویانی که حقیقتاً خواهان
شرکت فعال در جنبش انقلابی میباشدند - انتخاب آگاهانه و بد و برو-
گشت یکی از دو جریانی که اکنون در اراده وگاه انقلابی شکل گرفته اند ،
باشد . هرگز که بنام اتحاد فکری دانشجویان ، بنام انقلابی کردن

آنان بطور عام و غیره مخالف چنین انتخابی باشد ، چنین شخصی آگا-
هی سوییالیستی را که رکده ، در حقیقتی اصولی ایدئولوژیکی
را وعظ میکند . گروه بندی سیاسی دانشجویان باید اجباراً گروه بندی
سیاسی کل جامعه را بازنگاری کند - و این وظیفه هر سوییالیست است
که برای آگاهانه ترین و قاطع ترین مزیندی بین گوههایی که از نظر
سیاسی متفاوتند ، کوشش نماید . درخواست "سوییالیست-رولوسیونرها"
از دانشجویان بینی براینکه "همستگی خود را با جنبش عام سیاسی
اعلام نموده و خود را از اختلافات فراکسیونی در اراده وگاه انقلابی
دور نگهدازند " ماهیناً چیزی جز دعوت به عقب گرد ، از موضع سوییا-
لیستی بموضع بورژوا - د مکراتیک نمیباشد . این تعجب آور نیست ، زیرا
" حزب سوییالیست-رولوسیونر" فقط بخش کوچکی از بورژوا - د مکرات های
روسیه است . بریند دانشجویان سوییال - د مکراتیک از سیاسیون و
انقلابیون تمام جریانهای دیگر بهیچوجه بمعنای تجزیه سازمان های
عمومی دانشجویی و آموزش نیست . بر عکس ، فقط بر اساس یک برنامه
دقیقاً مشخص میتوان و باید در وسیعترین حوزه های دانشجویی برای
گسترش میدان دید آگاد میکی آنها و برای تبلیغ سوییالیزم علمی یعنی
مارکسیسم فعالیت نمود .

در نهاده های بعدی با خوانندگان "دانشجو" درباره اهمیت
مارکسیزم برای ایجاد یک جهان بینی واحد ، فرق بین اصول و تاكتیک
های حزب سوییال - د مکراتیک و حزب سوییالیست-رولوسیونر ، سائله
سازمان های دانشجویی ، و رابطه دانشجویان به طبقه کارگر بطور
کلی بحث خواهیم کرد .

ن - لینین ، سپتامبر ۱۹۰۳

ترجمه از :

LENIN, COLLECTED WORKS, VOL. 7, pp 43-56.

PROGRESS PUBLISHERS, MOSCOW, 1965.

۱ - این نامه در شماره ۳ / ۶ روزنامه "دانشجو" در سپتامبر ۱۹۰۳
 منتشر شد . و همچنین تحت عنوان (به دانشجویان وظایف جوانان
 انقلابی (سوییال دمکراسی و روشنگران) " بشکل جزوه مستقل تشریف
 گردید .

۲ - "دانشجو" - یکی از روزنامه های دانشجویان انقلابی بود . فقط
 سه شماره منتشر گردید : شماره ۱ در آوریل و شماره ۳ / ۶ در سپتامبر
 ۱۹۰۳

۳ - "اسوابوژدنیه" (آزادی) - ارگان بورژوازی لیبرال طرفدار
 سلطنت مشروطه بود که در اشتغالات در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۳
 به سردبیری استرورو (P.B. Struve) ۱۹۰۰ (۱۹۰۰-۱۹۰۳) هرد و هفته یکبار منتشر میگردید .
 طرفداران "اسوابوژدنیه" بعد ها هسته اولیه "حزب د مکرات مشروطه
 طه طلب (آزادی)" ، یعنی حزب عمد بورژوازی روسیه را تشکیل
 دادند .

۴ - "ایسکرا" (اخگر) - اولین روزنامه غیرقانونی مارکسیستی سرتا -
 سری روسیه بود که پس از زحمات لینین تأسیس شد و اولین شماره آن
 در ریاضیده سال ۱۹۰۰ در لا پیزگ (Leipzig) چاپ گشت .
 هیأت تحریریه "ایسکرا" از لینین ، پلخانف ، مارتاف ، اکسلرود ، پوتروف ، و
 راسولیچ مشکل شده بود ولی در واقع لینین سردبیر روزنامه بود و نقش
 مهمی در آن ایفا میکرد . "ایسکرا" لینین در سالهای ۱۹۰۰-۱۹۰۳
 در کار تدارک و ایجاد حزب مستقل پرولتاپارای روسیه نقش تاریخی عظیمی
 ایفا کرد . در کنگره دوم "حزب کارگر سوییال - د مکراتیک" روسیه در
 ژوئیه و اوت سال ۱۹۰۳ "ایسکرا" بعنوان ارگان رسمی حزب شناخته
 شد و لینین ، پلخانف و مارتاف به هیأت تحریریه آن انتخاب شدند .
 در نوامبر سال ۱۹۰۳ "ایسکرا" بدست فتشویک ها افتاده از شماره ۱۹۰۳
 و لینین از هیأت تحریریه آن استغفار داد . برای مشخص نمودن
 "ایسکرا" سابق لینین ، "ایسکرا" منشویکی را "ایسکرا" نو
 می نایدند .

۵ - استرورو (۱۸۷۰-۱۹۴۴) - سردبیر روزنامه "اسوابوژدنیه" ،
 یکی از مبلغین و اقتصاددانان بورژوازی روسیه بود و بعد ها یکی از رهبران
 حزب "کادت" شد .

۶ - "حزب سوییالیست-رولوسیونر" (اس-آر) - در سال ۱۹۰۰ در
 روسیه تشکیل شد و تا انقلاب ۱۹۱۷ بزرگترین حزب دهقانی بود .

۷ - رازنوجینتسی (raznochintsy) - "روشنگران عامی" روسیه بودند
 که اغلب از روحانیون ، مغازه داران و قشرهای خرد های پای شهری می
 آمدند .

۸ - زمستواها (Zemstvos) - سازمان های اداری باصطلاح خود مختار
 محلی که در سالهای ۱۸۶۰ در نواحی مرکزی روسیه تزاری بریا شد .
 قدرت شان محدود و اشراف زمین دار در آن ها مسلط بودند .

۹ - دوما (Duma) - نام پارلمان روسیه .

۱۰ - رولوتسیانا روسیا (روسیه انقلابی) - نام روزنامه "سوییالیست-رولوسیونرها" (اس-آرها) بود که از آخر سال ۱۹۰۰ تا سال
 ۱۹۰۵ منتشر میشد . از ژانویه سال ۱۹۰۲ به ارگان مرکزی حزب
 اس-آرها مبدل شد .

۱۱ - این مقاله لینین عنوان "اولین نامه" را داشت ، ولی پس از آن
 نامه دیگری منتشر نشد . برای برنامه لینین درباره انتشار این نامه
 به ضعیمه شماره ۱ رجوع کنید .

توضیحات ضمیمهٰ ۱

ضمیمه شماره ۱

۱- لندن برخلاف، این برنامه که در اواخر ماه اوت سال ۱۹۰۳ طرح بیزی کرد - چنانکه قبل اشاره کردیم - فقط موفق به نوشتن ناده اولی شد.

-۲- گروه پتراشفسکی در اوسط سالهای ۱۸۴۰ در پیترزبورگ تأسیس شد و بعدها شوچ پتراشفسکی M.V. Butashevich-Petrashovsky (اک از طرفداران سو-سیاپینزم تخلیل مکتب غرافیسوی فوریه Fourier) بود تشکیل شد.

شماره ۵۰ خدمت

قطع‌نامه پیشنهادی درباره طرز رخورد
با جوانان دانشجو.

د و مین کنگرهٔ حزب کارگر سوسیال د- مکراتیک روسیه افزایش روزافزون
قوهٔ ابتکار انقلابی جوانان دانشجو را تهییت گفته، از کلیهٔ سازمان-
های حزب خواهد که در کوششهای آنان برای سازماندهی خود از
هیچگونه کمک های ممکن در بیخ نکنند. کنگرهٔ توصیه می‌کند که تمام
گروه های دانشجوئی و محله‌های مطالعاتی می‌باشند اولاً، قبل از
هرچیز، هدف اساسی فعالیتهاخ خویش را در تعليم یک جهان بینی
واحد و پیگیر سوسیالیستی به اعضای خود و آشنا ساختن کامل آنان،
از طرفی با مارکسیزم و از طرف دیگر با نارد و نیزیم روسی و اپورتونیزم ارو-
پای غربی بمثابهٔ دو جریان عمدۀ میان گرایش‌های پیشرفت و متخاصم
امروزی، مرکز کنند؛ و قاریا، آنها می‌باشند از آن دوستان کاذب
جوانان که سعی می‌کنند با دست آویزی به عارت پرد ازی های انقلابی
توخالی و ایده آلبیست و گله گزاریهای مبتذل پیرامون بیهودگی و صد ما-
شاجرات شدید بین جنبش انقلابی سوسیالیستی و دیگر بخشش‌های
اپوزیسیون، جوانان را از یک کارآموزی کامل انقلابی منحرف سازند،
حدزرنند، زیرا در حقیقت این دوستان کاذب فقط بی اصولی و بırخور
غیر جدی در فعالیت انقلابی را ترویج می‌کنند؛ ثالثاً، آنها می‌باشند
سعی کنند که برای جلوگیری از اشتباهات مهم، قل از نقل فعالیتها
عملی با سازمانهای سوسیال د- مکراتیک تماش برقرار سازند و از مشورت
آنان بهره ور شوند.

LENIN COLLECTED WORKS VOL. 6, p. 471

PROGRESS PUBLISHERS, MOSCOW, 1964.

توضیحات ضمیمهٰ ۲

- ۱- این قطعنامه توسط لینین برای طرح در کنگره^۲ دوم حزب کارگر سو-
سیال - دمکراتیک روسیه ، که از ۱۷ ژوئیه تا ۱۰ اوت سال ۱۹۰۳
در بروکسل و لندن برگزار شد ، در واخر ماه ژوئن نوشته شد .

۲- در نطق لین دیراره قطعنامه فوق که در روز آخر کنگره ادا شد مفهوم "دستان کاذب" چنین آمده است: " فقط بتوسط ارتجاعیون نیست که عارت دوستان کاذب' بکار می رود، ما از مثال لیرالها و سوسیا - لیست-رولوسیوترا ها می دانیم که چنین دوستان کاذبی وجود دارد. این دوستان کاذب سعی می کنند که جوانان را با این نظریه که آنان هیچگونه احتیاجی به فرق گذاشتن بین جوانانهای گوناگون ندارند، غوا کنند. مابرگن، مهمترین وظیفه [جوانان دانشجو] را پیدایش و تکامل یک جهان بینی واحد انقلابی می دانیم."

LENIN: COLLECTED WORKS VOL. 6, p. 509

PROGRESS PUBLISHERS MOSCOW 1964

نامه نامه ها در باره وظایف جوانان انقلابی

نامه های درباره وظایف جوانان انقلابی می توانند مطابق برنامه دلیل تنظیم شوند :

۱- دانشجویان کنونی شامل چه دسته هایی می باشد و ایجاد اتحاد ایدئولوژیک در آن چه مسائلی را دربردارد.

۶- اهمیت مارکسیزم در انقلابی ساختن دانشجویان ایرانی بشاند.

- ۳- سوسیال-د مکرات ها و سوسیالیست رولوسبیونرها د روسیه *
- فرق های شوریک و ناکنیکی بین آنان * توربیزم *

۴- مسئله سازمان دانشجویی از نقطه نظر " انقلابی ساختن دانشجویان " .

اتحاد ایدئولوژیک = عدم وجود اصول ایدئولوژیک . بحث
را بجز - گروه های مختلف بین دانشجویان . تجزیه و تحلیل -
گروه های مختلف، ماهیت اتفاقی و یا اجتناب ناپذیر آنان .

مهدیین در طبقات مختلف جامعه
بغونان پایه لیرال ها

ماهیت طبقاتی شش گروه بحد کافی از هم متمایز نشد و است: رژیم خودکامگی عامل اساسی تعیین کننده است ارجاعیون - مهدیین - لیبرال‌ها خرد بورژوازی، کارگران، بورژوازی - گروه بندیهای طبقاتی* که هم اکنون شروع به شکل گرفتن کرده اند.

امهیت روزگاریون و مترقبی افتراق طبقاتی (و سیاست) + مثال + آکا -
دیمیستها و جدائی آنها از "بیبرالها" . این جدائی نه تنها از هرده
برداری سیاسی (رشد ، تکامل) مانع نمی کند بلکه آن کمک مینماید .
"اتحاد ایدئولوژیک" . چیست؟ بین چه کسانی؟ آکادمیست ها

+ لیبرالها ؟ لیبرالها + سوسیالیست ها ؟
فقط سوسیالیست - رولوسیونرها و سوسیال - د مکراتها ؟

برقراری اتحاد ایدئولوژیک = تبلیغ عقاید مشخص، روش ساختن اختلافات طبقاتی، ایجاد مرزبندی ایدئولوژیک.

کنند، عقاید طبقہ پیشو.
برقراری اتحاد ایڈ تولوزیک = تبلیغ عقایدی لہ می توںند بجلو ہدا

مارسیم اندیشه، پیدایش آن در روسیه می‌باشد و این بورژوا نبی توانند بعقاید سویاگریست آغشته شوند.

تہ حمدہ از:

LENIN, COLLECTED WORKS, VOL. 7, pp. 41-42

PROGRESS PUBLISHERS, MOSCOW, 1965.

*در این اواخر پدیدار "نگشه است (روشنفکران سوسیالیست) بله از نیم قرن پیش، تقریباً با گروه پتراشفسکی (Petrashovsky آغاز شد.